



جنایت بر ضد محیط زیست در حقوق بین الملل

محسن عبداللہی

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، مربی پژوهشکده علوم محیطی، دانشگاه شهید بهشتی

Crimes against the Environment in International Law

Mohsen Abdollahi, LL.M.

Instructor, Environmental Sciences Research Institute, Shahid Beheshti University

Many years ago, it was recognised by criminal law that certain serious breaches of environmental law are considered as crimes. But in international law this approach has been followed only after the acceptance of two facts: the erga omnes character of some environmental obligations; and the inefficiency of existing rules of state responsibility. In international law, a crime against the environment can be studied both on the inter-State and individual levels. On the first level, a study of the law of State responsibility shows that, principally, the concept of environmental crimes of States has not been recognised because the criminal responsibility of States has not been recognised at all. On the second level we have to distinguish between war and peacetime. In war, the law of armed conflicts by imposing high thresholds, has recognised the "serious breaches" of its' relevant obligations that protect the environment during armed conflicts as an international crime in the form of a war crime. By contrast, in peacetime we are not faced with any positive rule of international law in this regard. However, a perusal of international conventions that have been adopted for the preservation of the environment proves that the international community has gradually recognised certain serious breaches of environmental law as serious crimes of international concern. This recognition is a prelude to an international consensus regarding the presumption of such breaches as an "international crime".

Keywords: Environment, environmental law, crime.

چکیده

حقوق داخلی از قرن‌ها پیش با وضع مجازات‌های کیفری، پاره‌ای از نقض‌های شدید حقوق محیط‌زیست را جرم تلقی نموده است. در حقوق بین‌الملل، این ضرورت تنها پس از شناسایی پاره‌ای از تعهدات حقوق محیط‌زیست به عنوان تعهدات عام‌الشمول و عدم کفایت نظام مسئولیت مدنی، برای تضمین رعایت قواعد زیست‌محیطی به دست آمده است. در این حقوق، جنایت بر ضد محیط زیست در دو طبقه قابل بررسی است: جنایات زیست‌محیطی دولت‌ها و جنایات زیست‌محیطی افراد. در طبقه اول، با بررسی نظام مسئولیت دولت در حقوق بین‌الملل مشخص می‌شود که نظر به فقدان نظام مسئولیت کیفری دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، مفهومی به نام جنایات زیست‌محیطی دولت‌ها اصولاً وجود عینی ندارد. در طبقه دوم، باید بین زمان درگیری‌های مسلحانه و زمان صلح تفکیک قائل شد، به نحوی که در زمان درگیری‌های مسلحانه، حقوق بین‌الملل با وجود پیش‌بینی آستانه‌های بسیار بالایی "نقض شدید"، پاره‌ای از تعهدات مبارزان در عدم حمله به اهداف زیست‌محیطی را در قالب جنایات جنگی به‌عنوان یک "جنایات بین‌الملل" شناسایی کرده است؛ در حالی که در زمان صلح شناسایی این مفهوم به‌سختی امکان‌پذیر است. اگر چه مطالعه کنوانسیون‌های بین‌المللی حفاظت از محیط‌زیست ثابت می‌کند که جامعه بین‌المللی به تدریج نقض شدید قواعد حقوق محیط‌زیست را به‌عنوان جنایات شدید دارای اهمیت بین‌المللی شناسایی کرده است، این شناسایی مقدمه اجماع بین‌المللی برای تلقی این نقض‌ها به‌عنوان "جنایت بین‌المللی" است.

کلیدواژه‌ها: حقوق محیط‌زیست، حقوق بین‌الملل، جنایت بین‌المللی، نقض شدید، مسئولیت مدنی و کیفری.

گريزناپذير است.

اين نوشته در تلاش است که با کاوش در مقررات حقوق بين الملل - اعم از جهاني و منطقه‌اي - به اين سؤال پاسخ دهد، که آیا در حال حاضر در حقوق بين الملل مفهومي به نام "جنایت محیط‌زیستی" وجود دارد یا خير؟

الف - جنایت زیست محیطی دولت‌ها

اشاره شد که جنایت بر ضد محیط‌زیست در حقوق بين الملل از دو منظر جنایت ارتكابی به‌وسیله دولت‌ها و جنایت ارتكابی افراد قابل بررسی است. از نقطه نظر اول، دولت به عنوان یک شخصیت حقوقی مستقل از افراد اداره‌کننده آن مورد نظر است. روشن است که در صورت وجود مفهومي به نام "جنایت زیست محیطی دولت‌ها" مسئولیت کيفری دولت مطرح خواهد شد. در حالی که از نقطه نظر جنایت ارتكابی افراد علیه محیط‌زیست، با مفهوم مسئولیت کيفری افراد مواجه خواهیم شد.

مسئله جنایت زیست محیطی دولت‌ها در مقوله مسئولیت کيفری دولت در حقوق بين الملل قابل بررسی است. پیشینه مسئولیت کيفری دولت در حقوق بين الملل به ماده ۱۹ طرح مسئولیت سابق دولت در حقوق بين الملل بازمی‌گردد، که در سال ۱۹۹۶ به تصویب کمیسیون حقوق بين الملل رسید.

۱. ماده ۱۹ طرح مسئولیت دولت کمیسیون حقوق بين الملل به موجب این ماده:

"۱. آن دسته از اعمال دولت که به منزله نقض تعهدات بين المللی تلقی می‌گردند، صرف نظر از موضوع تعهد نقض شده، عمل متخلفانه بين المللی محسوب می‌شوند.

۲. اگر رعایت یک تعهد بين المللی آن چنان برای حمایت از منافع بنیادین جامعه بين المللی ضروری باشد که جامعه بين المللی در کلیت خود، نقض آن را به عنوان جنایت شناسایی کرده باشد، چنین نقضی جنایت بين المللی محسوب می‌شود.

۳. طبق بند دو و بر اساس قواعد جاری حقوق بين الملل، جنایت بين المللی ممکن است از موارد ذیل ناشی شود:

الف) نقض شدید تعهدات بين المللی که رعایت آنها برای حفظ صلح و امنیت بين المللی اهمیت اساسی دارد، مانند منع تجاوز.

محیط‌زیست صرف نظر از ارزش فی‌نفسه آن، فضای طبیعی حیات بشر به شمار می‌رود، به این گونه که ارتباط تنگاتنگ حقوق بشر و حمایت از محیط‌زیست قابل شناسایی و قابل توجه است. از این رو، نباید تردید کرد که تبدیل نظام مند ارزش‌های زیست محیطی بشری به قواعد حقوقی دارای ضمانت اجرایی که فارغ از گستره جغرافیایی برای کلیه انبای بشر و حتی نسل‌های آینده حایز اهمیت است، چه برای حمایت فی‌نفسه از محیط‌زیست - به عنوان موهبتی بی‌بدیل - و چه برای حمایت از حیات و سلامت بشر امری گريزناپذير است. در هر نظام حقوقی، بسته به اهمیت بنیادین قواعد حقوقی برای بقای نظام مذکور، از سویی و میزان و شدت تعرض به عمل آمده به قواعد مذکور واکنش‌های مدنی یا کيفری در نظر گرفته می‌شود.

نظام‌های حقوقی داخلی از هزاران سال پیش، به دلیل اهمیت پاره‌ای از منابع طبیعی، آلوده کردن شدید آنها را جرم تلقی کرده و برای آن مجازات‌های شدیدی در نظر گرفته‌اند. در نظام حقوق بين الملل حصول به این مکانیسم منوط به تحقق دو مؤلفه ضروری می‌باشد: تشکیل جامعه بين المللی و تبدیل محیط‌زیست به یکی از موضوعات مورد توجه جامعه مذکور.

مطالعه تاریخ حقوق محیط‌زیست گویای این واقعیت است که حقوق بين الملل محیط‌زیست طی قرن اخیر برای جامعه بين المللی به گونه‌ای اهمیت یافته که در طی سه دهه ظهور، توسعه و تکوین یافته است. با شناسایی تدریجی قواعد زیست محیطی به سرعت ثابت شد که ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده مدنی برای حمایت از قواعد مذکور کفایت نکرده و به کيفری کردن پاره‌ای از نقض‌های شدید حقوق بين الملل محیط‌زیست نیاز مبرم وجود دارد. نهضت کيفری کردن، نهضتی بود که در دهه‌های اخیر در مورد رشته‌های دیگری از حقوق بين الملل و به‌ویژه حقوق بشر و بشردوستانه محک زده شده و در جامعه بين المللی موفقیت نسبی به دست داده بود.

در بررسی قواعد حقوق بين الملل جهت شناسایی قواعد کيفری حمایت از محیط‌زیست از جهتی توجه به تفکیک جنایات زیست محیطی دولت‌ها از جنایات افراد ضروری بوده و از جهت دیگر تمایز میان جنایات زیست محیطی در زمان جنگ و صلح

ب) نقض شدید تعهدات بین‌المللی که رعایت آنها برای صیانت از حق تعیین سرنوشت مردم (ملت‌ها) نقش اساسی دارد، مانند منع استقرار یا حفظ قهری سلطه استعماری.

ج) نقض شدید تعهدات بین‌المللی که رعایت آنها برای حفاظت از محیط‌زیست انسانی اهمیت اساسی دارد، مانند منع آلودگی گسترده جو یا دریاها.

د) نقض شدید و وسیع تعهدات بین‌المللی که رعایت آنها برای صیانت از بشریت اهمیت اساسی دارد، مانند منع بردگی، کشتار جمعی و آپارتاید.

۴. هر عمل متخلفانه بین‌المللی که طبق بند دوم جنایت بین‌المللی محسوب نشود تخلف بین‌المللی است.

چنانچه دیده می‌شود، زیر بند (ج) بند ۳ به صراحت "نقض شدید" آن دسته از تعهدات بین‌المللی که رعایت آنها از سوی دولت‌ها برای "حفاظت از محیط‌زیست انسانی اهمیت اساسی دارد"، جنایت بین‌المللی تلقی شده است. تصویب این ماده و زیربند (ج) بند سوم آن در حقیقت توفیق بزرگی برای حقوق محیط‌زیست بود، که متأسفانه بنا به دلایلی از جمله عدم شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در کلیه نظام‌های حقوقی بزرگ جهان، عدم تأمین اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و عدم اجماع بین دولت‌ها در کمیته ششم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سرانجام حذف شد.^۱

در این طرح دو شرط اساسی برای تحقق مسئولیت کیفری دولت برای جنایت زیست‌محیطی پیش بینی شده بود که در کنار شرط لازم شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، نظام مسئولیت کیفری دولت را تشکیل می‌دهند.

۲. شرایط تحقق مسئولیت کیفری مندرج در ماده ۱۹

۱.۲. **تعهد نقض شده می‌بایست دارای اهمیت اساسی باشد** به موجب تفاسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل:

"... ارتکاب جنایات بین‌المللی در هر قضیه منوط به اجتماع دو شرط لازم است:

الف) تعهد از نوعی باشد که رعایت آن برای رسیدن به هدف بنیادین موضوع ذربط [برای مثال صیانت از بشریت] دارای اهمیت اساسی" باشد (ب) ...^۲ بنابراین، باید به این نتیجه رسید که نقض هر تعهد بین‌المللی جنایت نبوده و تنها آن دسته از

نقض‌هایی موجب مسئولیت کیفری خواهند شد که تعهد واجد اهمیت اساسی^۳ را نقض کرده باشند.

در طرح کمیسیون پیوند‌گریز ناپذیری بین "اهمیت اساسی" تعهد، و صیانت از "منافع بنیادین جامعه بین‌المللی" برقرار شده است، که نشان از نزدیکی و یا حتی تقارن مفهوم "جنایت بین‌المللی" با تعهدات عام‌الشمول یا Erga Omnes و "قواعد آمره" حقوق بین‌الملل دارد. امروزه در جامعه بین‌المللی دو نوع از تعهدات هستند که می‌توان آنها را دارای ویژگی "اهمیت اساسی" دانست. این موارد، تعهدات عام‌الشمول و آمره هستند که از سویی، تخطی ناپذیر و از سوی دیگر، در برابر جامعه بین‌المللی می‌باشند.^۴ بنابراین، می‌توان به این نتیجه کلی رسید که نقض شدید این تعهدات در چارچوب ماده ۱۹، مستوجب مسئولیت کیفری مطلق و خدشه‌ناپذیر نیست.

۲.۲. شدید بودن نقض تعهد

چنانچه در بند پیش گفته شد، ماده ۱۹ و تفاسیر کمیسیون اجتماع دو شرط را لازمه تحقق مسئولیت کیفری دانسته‌اند: "[الف] تعهد نقض شده دارای اهمیت اساسی باشد] ... و (ب) نقض آن تعهد، از نوع نقض شدید باشد ... به عبارت دیگر اضافه کردن این نکته در نظر کمیسیون ضروری است که نقض تعهدات مورد نظر، در نظر دولت‌ها به عنوان جنایت بین‌المللی در نظر گرفته نخواهد شد، مگر آن که بیانگر درجاتی از شدت باشند."^۵ آستانه "شدت نقض" در تعهدات حقوق بشر از دیگر تعهدات فهرست شده در بند سوم ماده ۱۹ بالاتر است. به موجب بند سوم، نقض این تعهدات علاوه بر این که باید شدید باشد، می‌بایست "در سطحی وسیع"^۶ اتفاق افتاده باشد. در تفاسیر کمیسیون مقصود از "سطح وسیع"، "دامنه گسترده"^۷ تفسیر شده است.^۸ به عبارت دیگر، جهت اثبات مسئولیت کیفری دولت در خصوص نقض شدید تعهدات حقوق بشر، لازم است که موارد متعددی از این نقض شدید در قالب "رویه سازمان یافته نظام‌مند"^۹ دولت خاطی اتفاق افتاده باشد. چنین وضعیتی به خصوص در جنایت نسل‌کشی قابل درک است، چرا که دولت مظنون به این جنایت معمولاً برنامه‌ای از قبل طراحی شده برای پاکسازی، یا تضعیف قوم، یا نژادی خاص را عملی می‌کند. در جمع‌بندی می‌توان چنین گفت، آن گونه که کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفاسیر خویش اظهار داشته است،

برای تحقق مسئولیت کیفری دولت در چهارچوب ماده ۱۹ پیش نویس مسئولیت دولت، صرف نقض تعهدی که دارای ماهیت اساسی باشد کفایت نمی کند و نقض تعهد مذکور باید از شدت و گستردگی قابل توجهی برخوردار باشد. بدیهی است که در غیر این صورت، هر ادعای نقضی با توجه به آثار شدید مسئولیت کیفری دولت، دولت‌ها را گرفتار فرایندی می سازد که نتیجه آن، تنش دائمی در روابط بین‌المللی است.

در این قسمت تلاش شد که جایگاه بحث مسئولیت کیفری دولت در حقوق بین‌الملل مشخص گردد. دیدیم که مفهوم در عمل دارای جایگاه مستحکمی در حقوق بین‌الملل موضوعه نیست و تنها محل تبلور این بحث در ماده ۱۹ پیش نویس طرح مسئولیت دولت کمیسیون حقوق بین‌الملل است که به طرح و بررسی آن ماده پرداخته شد. پذیرش این ماده و دانستن میزان مقبولیت این نظریه در حقوق بین‌الملل مستلزم بررسی مفهوم مسئولیت کیفری از سویی، و مبانی نظری آن از سوی دیگر است که در بندهای آتی به آن پرداخته شده است.

۳. بررسی نظریه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

در قرن نوزدهم از رهگذر قوانین ملی، عملاً این امکان برای افراد فراهم گشت که بتوانند به تأسیس شرکت یا نهادهای حقوقی اقدام بنمایند، نهادهایی که دارای شخصیتی کاملاً مستقل از اعضای مؤسس و سهامداران آنها بودند. امروزه چنین امکانی نهادین شده و امری عادی شمرده می شود. با ورود این اشخاص حقوقی (تصنعی) به روابط اجتماعی و توجه به این نکته که بسیاری از این شرکت‌ها در روابط اجتماعی جانشین افراد حقیقی شده‌اند که پیش از این یگانه تأمین کننده خدمات لازم برای مردم بودند، همان روابط اجتماعی با به میان آمدن رقیب‌های جدید و البته قوی‌تر ادامه یافت.

بنابراین، به تدریج ایده مسئولیت مدنی در وهله اول و سپس مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی با اندک تغییراتی مطرح شد؛ چرا که علاوه بر تخلفات حقوقی و کیفری که در پرتو فعالیت این اشخاص انجام می شود، عملاً این نهادها پناهگاه خوبی را برای تبهکاران حرفه‌ای فراهم می سازند که تحت لوای یک شرکت تجاری یا یک تأسیس حقوقی - که دارای شخصیت حقوقی مستقل از اعضای مؤسس آن می باشد - به تحقق اهداف مجرمانه خویش

بپردازند و عملاً از تیغ مجازات یا حکومت قانون مصون بمانند.^{۱۱} نظریه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در میان علمای حقوق با واکنش‌های متفاوتی مواجه شده است. عده‌ای با این استدلال که قصد مجرمانه - به عنوان مبنای مسئولیت کیفری - مفهومی است که صرفاً به موجود ذی شعور یعنی انسان قابل انتساب است و از جهت دیگر شخص حقوقی را نمی توان کیفر داد و برای مثال آن را به زندان انداخت، تحقق مسئولیت کیفری شخص حقوقی را منطقاً غیرممکن می دانند.^{۱۲} در پاسخ، گفته شده که ایراد غیرقابل انتساب بودن قصد مجرمانه به اشخاص حقوقی می بایست در مورد تقصیر به عنوان مبنای اصلی مسئولیت مدنی نیز وجود داشته باشد، در حالی که نظریه مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی کمتر مورد اعتراض قرار گرفته است.^{۱۳} از این رو، به مانند تقصیر، احراز قصد مجرمانه برای اشخاص حقوقی عملاً مسبوق به سابقه و امکان پذیر است. از سوی دیگر کیفر دادن مجرمین صرفاً محدود به سلب آزادی آنان (زندان) نیست، مجازات مالی یا محدودکننده نیز از دیگر مجازات‌های قانونی هستند، که نه تنها اعمال آنها علیه اشخاص حقوقی امکان پذیر است، بلکه از آنجا که مهم‌ترین انگیزه تشکیل این اشخاص کسب سود تجاری بیشتر است، تأثیر قابل توجهی علیه شرکت‌های تجاری به عنوان بزرگ‌ترین مصادیق اشخاص حقوقی دارد.^{۱۴}

با این حال وضعیت دولت در جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل با وضعیت اشخاص حقوقی در جامعه داخلی و حقوق داخلی قابل قیاس نیست. در جامعه داخلی به لطف وجود نهاد مستقل قانونگذاری و نهاد اجرایی که در نهایت توان لازم برای تحمیل مجازات‌ها را بر شخص حقوقی دارد. نظریه مسئولیت کیفری شخص حقوقی تبلور عملی یافته است. با وجود این، در جامعه بین‌المللی پذیرش چنین نظری احتیاج به تأمل فراوان دارد، به ویژه آنکه این نظریه در حقوق موضوعه منعکس نشده است و بیشتر حقوقی در آستانه تولد به نظر می رسد.

۴. حذف ماده ۱۹ مسئولیت کیفری دولت برای جنایات

زیست محیطی

با وجود چهل سال فعالیت علمی دقیق کمیسیون در خصوص مسئولیت دولت، در سال ۱۹۹۶ مشخص شد که طرح حاوی نقایصی است که نیاز به بازخوانی دارد. برای این منظور پروفیسور

جیمز کرافورد به عنوان مخبر ویژه برگزیده شد. کرافورد پس از چند گزارش سرانجام به دلایل زیر حذف ماده ۱۹ را پیشنهاد کرد:

۱. عدم تأمین اصل قانونی بودن جرایم
۲. عدم تأمین اصل قانونی بودن مجازات‌ها
۳. عدم وجود نهادی برای احراز و تعقیب جرایم
۴. عدم وجود اصول دادرسی و تضمینات حقوقی
۵. عدم وجود نهادی برای اجرای مجازات‌ها^{۱۵}

با حذف ماده ۱۹، در واقع یگانه پایگاه مسئولیت کیفری دولت در حقوق بین‌الملل موضوعه از میان رفت و بحث مسئولیت کیفری به توسعه آتی حقوق بین‌الملل واگذار گردید. طبیعی است که این وضعیت در مورد مسئولیت کیفری ناشی از جنایات زیست‌محیطی دولت‌ها نیز وجود دارد. نتیجه آنکه، در چهارچوب مسئولیت دولت در حال حاضر مفهومی به نام "جنایت زیست‌محیطی دولت‌ها" وجود ندارد. به هر حال، حذف مسئولیت کیفری برای جنایات زیست‌محیطی دولت‌ها به معنی شناسایی تخفیفی جدید برای ناقضین شدید تعهدات بنیادین زیست‌محیطی نمی‌باشد. درست به همین دلیل، کمیسیون حقوق بین‌الملل پس از حذف ماده ۱۹ نظام مسئولیت مضاعف را برای آن دسته از دولت‌هایی که قواعد آمره بین‌المللی را شدیداً نقض می‌کند، پیش‌بینی نموده است. در نتیجه، باید گفت که اگر چه امروزه مفهومی به نام "جنایات زیست‌محیطی دولت‌ها" وجود ندارد، ولی نظام مسئولیت مضاعف پیش‌بینی شده در طرح مسئولیت دولت کمیسیون بین‌الملل با پیش‌بینی واکنش‌های شدیدتری نسبت به نقض عادی تعهدات عادی، عملاً امکان مبارزه جدی‌تر با نقض‌های شدید آن دسته از تعهدات زیست‌محیطی دولت‌ها به وجود آورده است، که از قواعد آمره استخراج می‌شوند. به هر حال چنین نتیجه‌ای، در صورتی کارآمد خواهد بود که در حال حاضر شاهد تعهدات امری در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست باشیم که پاسخ به آن نوشتار دیگری را می‌طلبد.

ب. جنایات زیست‌محیطی افراد

اگر حقوق بین‌الملل به واسطه مسائل جامعه‌شناسی، پذیرش اصل حاکمیت دولت‌ها و سازمان‌نیافتگی لازم، موفق به تدارک لوازم ضروری برای تأسیس نظام مسئولیت کیفری برای دولت‌ها نشده،

در مقابل با توسعه مسئولیت کیفری فردی توانسته با شناسایی جنایات قابل توجهی به تعقیب و مجازات آن دسته از مقامات دولتی یا افراد عادی بپردازد که در لوی شخصیت حقوقی دولت یا شرکت‌ها اقدام به ارتکاب جنایات بین‌المللی می‌کنند. این دسته از جنایات در یک طبقه‌بندی کلاسیک که محصول منشور و محاکمات نورنبرگ می‌باشد،^{۱۶} به سه دسته جنایت بر ضد صلح، جنایت بر ضد بشریت و جنایات جنگی تقسیم می‌شوند.^{۱۷} در این بررسی، جنایات زیست‌محیطی افراد فقط در مقوله اخیر قابل تصور بوده و از جنایات بر ضد صلح خروج موضوعی دارند. در مورد دو دسته جنایات دیگر نیز باید گفت که به لحاظ محتوایی جنایات‌های جنگی به اعمال مجرمانه ارتكابی در زمان جنگ یا نقض قواعد بشردوستانه اطلاق شده و جنایات بر ضد بشریت به کلیه نقض‌های گسترده یا نظام مند حقوق بشر باز می‌گردد، اعم از آنکه در زمان جنگ یا غیر آن (صلح) ارتکاب شده باشند. در بندهای بعدی تلاش خواهد شد که مقررات حقوق بین‌الملل برای شناسایی قاعده‌ای مبنی بر شناسایی نقض‌های شدید تعهدات زیست‌محیطی به عنوان جنایات بین‌المللی مورد جستجو قرار گیرد.

۱. جنایات زیست‌محیطی افراد در زمان صلح

تحقیقات به عمل آمده برای تألیف این مقاله گویای این واقعیت می‌باشد که در حال حاضر حقوق بین‌الملل موضوعه بنا به دلایل عدیده‌ای فاقد قواعد خاصی در خصوص شناسایی نقض‌های شدید تعهدات زیست به عنوان جنایت بین‌المللی در معنای "جنایت بر ضد بشریت" می‌باشد، تنها پیشینه قابل اعتنای موجود کارهای مقدماتی کمیسیون بین‌الملل در تهیه و تصویب "کد جنایات بر ضد صلح و امنیت بشری"^{۱۸} می‌باشد که منتهی به تصویب دو سند مقدماتی در سال ۱۹۵۴ و ۱۹۹۱ و سند نهایی در سال ۱۹۹۶ گردید. در میان این اسناد، سند سال ۱۹۵۴ نظر به ظرف زمانی^{۱۹} اصولاً توجهی به جنایات زیست‌محیطی ندارد. در مقابل، سند سال ۱۹۹۱ نظر به جنبش‌های جدی دهه ۷۰ و ۸۰ عنایت ویژه‌ای به محیط‌زیست نشان داد. این کد به تبیین و تدوین جنایات بین‌المللی می‌پرداخت که صلح و امنیت بشری را مختل می‌سازد. ماده ۲۶ این کد با عنوان "صدمات عمدی و شدید به محیط‌زیست" این گونه صدمات را جنایت بر ضد صلح و امنیت بشری دانسته بود.

به موجب این ماده:

"هرکس عمداً موجب ورود خسارات و صدمات شدید، دیرپا و گسترده به محیط زیست طبیعی گردد یا دستور به ایراد چنین صدماتی بدهد، پس از ثبوت به مجرمیت (به ...) محکوم خواهد شد."

با وجود شناسایی آستانه‌های بسیار بالای موجود در این ماده (شدید، دیرپا و گسترده بودن) متأسفانه این ماده نیز در قرائت و متن نهایی سال ۱۹۹۶ حذف و به جنایات بر ضد محیط زیست در زمان جنگ محدود شد.

۲. جنایات زیست محیطی افراد در زمان جنگ

حقوق حاکم در زمان درگیری‌های مسلحانه اعم از داخلی و بین‌المللی حقوق بشردوستانه یا Jus in Bello است. حقوق بین‌الملل به تدریج اقدام به شناسایی "نقض‌های شدید" این حقوق به عنوان جنایات جنگی نموده است که مهم‌ترین سابقه آن به منشور نورنبرگ برای تأسیس دیوان کیفری نظامی برای محاکمه جنایتکاران جنگی جنگ دوم جهانی بازمی‌گردد. متعاقب تأسیس این دیوان و محاکمات صورت پذیرفته بر اساس منشور نورنبرگ، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بین‌الملل را مأمور تهیه اصول کیفری ناشی از منشور و محاکمات مذکور نمود. پس از تدوین این اصول کمیسیون مأمور شد که با مدنظر قراردادن این اصول اقدام به تهیه طرحی برای کد جنایت علیه صلح و امنیت بشری نماید. فعالیت کمیسیون در این زمینه دارای رهیافت‌هایی برای شناسایی آسیب‌های جدی بر محیط زیست به عنوان جنایت جنگی است.

۱.۲. کد جنایت علیه صلح و امنیت بشری

چنانچه گفته شد، کمیسیون اقدام به تهیه سه پیش‌نویس در سال‌های ۱۹۵۴، ۱۹۹۱، ۱۹۹۶ نمود، که در میان این اسناد سند، سال ۱۹۵۴، حاوی مقرره‌ای در این خصوص نمی‌باشد. در مقابل، دو سند دیگر به مقوله جنایات جنگی پرداخته‌اند. به موجب زیر بند (۲) بند (د) ماده ۲۲ کد سال ۱۹۹۱، اعمال زیر جنایت جنگی هستند:

"کاربرد روش‌ها یا جنگ‌افزارهایی که خسارت بالفعل یا بالقوه گسترده، دیرپا و شدید بر محیط زیست طبیعی به جا خواهند گذاشت."

این زیربند در سال ۱۹۹۶، با تغییرات خاصی دوباره مورد تصویب کمیسیون قرار گرفت، که سند نهایی کمیسیون در این خصوص به شمار می‌آید. به موجب بند (ز) ماده ۲۰ این طرح با عنوان فهرست جنایات جنگی:

"در زمان مخاصمات مسلحانه استفاده از روش‌ها یا جنگ افزارهایی که ضرورت‌های نظامی توسل به آنها را توجیه نکرده و با قصد ایراد خسارات گسترده دیرپا و شدید بر محیط زیست مورد استفاده قرار گرفته و منتهی به لطمات شدید بر سلامتی و بقای مردم می‌شوند."

در تفاسیر کمیسیون از این بند ۳ شرط برای تحقق جنایات جنگی پیش‌بینی شده که ملهم از بند مذکور است: "اول اینکه استفاده از روش‌ها یا جنگ‌افزارها به استناد به ضرورت نظامی قابل توجیه نباشند ... دوم اینکه عمل ارتكابی با قصد ایراد خسارات گسترده، دیرپا و شدید بر محیط زیست ارتكاب یافته و منتهی به لطمات شدید بر سلامتی و بقایای مردم شده باشد. در این مورد، این ماده لازم می‌داند که عمل ارتكابی منتهی به آثار بسیار شدید بر مردم شده باشد ... و سوم اینکه این زیربند لازم می‌داند که چنین خساراتی عملاً در نتیجه یک رفتار متخلفانه به وجود آمده باشند."^{۲۰}

مشاهده این زیربند و تفاسیر آن این واقیعت را آشکار می‌کند، که کمیسیون نسبت به طرح سال ۱۹۹۱ شرایط محدودکننده‌تری را برای تحقق جنایت جنگی پیش‌بینی نموده است. در این طرح علاوه بر امکان توجیه حمله به محیط زیست بنا بر ضرورت‌های نظامی، قصد مرتکب را برای ایراد خسارت مورد نظر شرط تحقق مسئولیت دانسته است. که نظر به ذهنی بودن چنین شرطی احراز آن بسیار دشوار است. جدای از این دو محدودیت، جنایت جنگی مورد نظر به "لطمه شدید بر سلامتی و بقای مردم" بسته شده است، به گونه‌ای حمایت از محیط زیست فی نفسه مورد نظر نبوده و از این رو، حمایت از بشر درگیری‌های مسلحانه مورد حمایت حقوقی قرار گرفته است. در مورد شرط توجیه تخریب شدید و گسترده محیط زیست بنا بر ضرورت‌های نظامی نیز باید گفت که چنین ضرورت‌هایی نباید موجد تخریب محیط زیست شوند، چنانچه در حال حاضر نیز شاهد جنبش‌هایی برای قابل مجازات اعلام کردن این وضعیت‌ها در سطح غیردولتی می‌باشیم.^{۲۱}

در مورد آستانه‌های مورد نظر این زیربند نیز باید تأکید کرد، که اگرچه متأسفانه این کمیسیون برای تبیین این آستانه‌ها یعنی "گسترده، دیرپا و شدید"^{۲۳} بودن خسارات وارده بر محیط‌زیست، هیچ تفسیری ارائه نکرده است. ولی واقعیت این است که مطابق ادبیات و نگارش موجود اجتماع هر سه آستانه برای تحقق جنایت جنگی مورد نظر کد ضروری است؛ گویی که تنها در صورتی می‌توان مدعی مسئولیت کیفری به موجب زیربند (ز) ماده ۲۰ کد سال ۱۹۹۶ شد که در کنار دیگر شرایط، خسارات وارده بر محیط "توامان، شدید، دیرپا و گسترده" باشند. حال اینکه ضابطه احراز این آستانه‌ها چیست؟ زیر بند (ز) و تفاسیر کمیسیون ساکت هستند. در مقابل، تفاسیر سازمان صلیب سرخ جهانی در خصوص ماده ۳۵ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، در خصوص حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی مصوب ۸ ژوئن ۱۹۷۷ در این مورد صراحت دارند، در حالی که در این ماده نیز سه آستانه مذکور پیش‌بینی شده‌اند.

۲.۲. پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب

ژوئن ۱۹۷۷

این پروتکل با عنوان "حمایت از غیرنظامیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی" در حقیقت مکملی بر کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو می‌باشد، که بسیاری از نقض‌های شدید کنوانسیون‌های مذکور را کیفری نموده است. این پروتکل طی مواد ۳۵ و ۵۵ به حمایت از محیط‌زیست پرداخته است. ماده ۳۵ با عنوان "قواعد اساسی" به اصل عدم آزادی مطلق طرفین درگیر، در توسل به شیوه‌ها و ابزار جنگی اشاره دارد. در این راستا بند سوم این ماده به کاربردن شیوه‌های جنگی را که به خسارات قابل توجه بر محیط‌زیست منتهی می‌شوند، منع نموده است:

"۳- به کاربردن شیوه‌ها یا وسایل جنگی که هدف از آنها وارد آوردن خسارات شدید، گسترده و دراز مدت بر محیط‌زیست طبیعی باشد یا احتمال می‌رود که چنین اثراتی داشته باشد، ممنوع است." ماده ۵۵ در تکمیل این بند، علاوه بر تکرار دقیق‌تر ممنوعیت مذکور بر ممنوعیت اقدامات تلافی‌جویانه علیه محیط‌زیست تصریح نموده است:

"۱- در هنگام جنگ باید مراقب بود که از محیط‌زیست طبیعی در برابر آسیب‌های گسترده، دراز مدت و شدید، حفاظت به عمل

آید. این حفاظت، شامل ممنوعیت استفاده از روش‌ها و وسایل جنگی می‌شود که منظور از آن وارد آوردن چنین آسیبی به محیط‌زیست طبیعی بوده، یا احتمال وارد آمدن چنین آسیبی می‌رود و در نتیجه به سلامتی یا بقای سکنه لطمه بزند. ۲- حمله به محیط‌زیست طبیعی به عنوان اقدام تلافی‌جویانه ممنوع است."

این ماده، سه برتری نسبت به مقررات مندرج در طرح کد جنایت علیه صلح و امنیت بشری دارد: اول آنکه به امکان ضرورت نظامی در حمله به محیط‌زیست اشاره نکرده و دوم آنکه قصد مرتکب حمله محیط‌زیست را برای احراز ممنوعیت، شرط ندانسته است و در نهایت اینکه این ماده علاوه بر حمایت به محیط‌زیست، فی نفسه نیز محیط‌زیست را مورد توجه قرار داده است.^{۲۳} به عبارت بهتر ممنوعیت حمله به محیط‌زیست صرفاً به "مخاطره افتادن سلامتی یا بقای سکنه غیرنظامی نشده است." عنوان بند ۳ ماده ۳۵ (حمایت از محیط‌زیست طبیعی) و نه محیط‌زیست بشری، گویای چنین واقعیتی است. البته لازم به ذکر است که در طرح‌های اولیه‌ای که ارائه شده بود، به جای "حمایت از محیط‌زیست طبیعی" از عنوان "محیط‌زیست طبیعی بشر" استفاده شده بود که با اعتراض و اظهار نگرانی پاره‌ای از شرکت کنندگان حذف شد. استدلال آن بود که چه بسا ممکن است حملاتی علیه محیط‌زیست صورت پذیرد که در کوتاه مدت اثر مخرب بر زیست بشری نداشته و آثار زیانبار خود را در آینده نشان دهد. از این رو، حمایت فی نفسه از محیط‌زیست مطلوب است.^{۲۴}

پروتکل اول نیز به هر حال مانند طرح کد جنایات علیه صلح و امنیت بشری کمیسیون حقوق بین‌الملل، وجود همزمان سه آستانه "ورود خسارات گسترده، دراز مدت و شدید" را شرط ممنوعیت حمله به محیط‌زیست دانسته است، که آستانه‌های بسیار بالایی به نظر می‌رسد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ این آستانه را به شرح ذیل تفسیر نموده است:

"سه عنصر مصوب یعنی طول زمان خسارت، دامنه یا حوزه آنها و شدت یا تأثیر تبعیض‌آمیز خسارات بر سکنه غیرنظامی بحث‌های زیادی را به وجود آورد. شرط طول یا زمان (که عبارت است از خسارت درازمدت) توسط پاره‌ای از شرکت کنندگان چند

دهه در نظر گرفته شد. پاره‌ای از نمایندگان بیست یا سی سال را به عنوان حداقل مورد توجه قرار دادند ... به هر حال نمی‌توان با قاطعیت گفت، که چه دوره یا زمانی باید در نظر گرفته شود ... در مورد عنصر گستردگی خسارت آنها باید حداقل صدها کیلومتر و در مورد عنصر شدت خسارات بایستی منتهی به آسیب جدی بر حیات بشری و طبیعت یا دیگر منابع شود.^{۲۵} نکته قابل توجه در مورد مقررات پروتکل آن است، که این پروتکل نقض شدید مواد ۳۵ و ۵۵ خود را جنایت جنگی تلقی نکرده، از این رو، دو مسأله جدی باید مورد توجه قرار گیرد؛ مسأله اول اینکه ماهیت حقوقی مقررات پروتکل اول چیست؟ و دوم آنکه چگونه می‌توان نقض‌های شدید مذکور را در پرتو جنایت بر ضد محیط‌زیست تفسیر نمود؟ در خصوص پاسخ اول باید گفت که با وجود ماهیت قراردادی پروتکل اول به تدریج حقوق‌درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی حداقل تعهد به رعایت جوانب زیست‌محیطی را در درگیری‌های مسلحانه شرط تناسب در حملات دانسته است، که خایز اهمیت فراوان است.^{۲۶} بنابراین، همان‌طور که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مشورتی مشروعیت سلاح‌های هسته‌ای اظهار داشته است، امروزه "فاکتورهای زیست‌محیطی باید در سیاق اجرای اصول و قواعد قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه در نظر گرفته شود."^{۲۷} تحلیل این نظریه مشورتی ارزشمند مستلزم پذیرش یک قاعده ابتدایی مبنی بر ممنوعیت عرفی حمله دارای آثار زیانبار به محیط‌زیست (با آستانه‌های فوق‌الذکر) می‌باشد.

در مورد مسأله دوم نیز ذکر این نکته سودمند است، که با نهضت کیفری کردن نقض‌های حقوق بشر و بشردوستانه در دهه نود میلادی، این مهم به‌ویژه با تلاش قضایی دو دیوان کیفری اختصاصی برای جنایت‌های ارتكابی در یوگسلاوی سابق و رواندا تحقق یابد. در مورد کیفری کردن نقض‌های مواد ۳۵ و ۵۵ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، محکمه اختصاصی کیفری برای یوگسلاوی سابق در مقام تفسیر ماده ۳ اساسنامه خود، که در مقام پوشش دادن "دیگر نقض‌های حقوق و عرف‌های جنگ" می‌باشد، با قاطعیت به صلاحیت کیفری خود برای نقض‌های پروتکل به عنوان حقوق قراردادی بین‌دولت‌های عضو حکم نموده است:

"... ماده ۳ اساسنامه همچنین تعهدات ناشی از موافقت‌نامه‌های لازم‌الاجرای موجود میان طرف‌ها را که شامل ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو، پروتکل‌های الحاقی و همچنین دیگر موافقت‌نامه‌های منعقد میان اطراف درگیر می‌شود." چنانچه به صراحت ذکر شده است، نقض تعهدات ناشی از پروتکل‌های الحاقی از جمله تعهد به عدم حمله زیانبار به محیط‌زیست و مراقبت از محیط‌زیست در درگیری‌های مسلحانه جنایت تلقی شده است. با وصف این، مطابق نظر محکمه تعهدات ناشی از پروتکل از جمله تعهدات مندرج در مواد ۳۵ و ۵۵ خایز ماهیت قراردادی می‌باشند و نه عرفی. در حالی که بر طبق توسعه حقوقی ایجاد شده، پس از این حکم تعهدات مذکور خایز جنبه عرفی به نظر می‌رسند و نقض آنها با تحقق دیگر شرایط لازم برای کلیه دولت‌ها، اعم از عضو یا غیرعضو جنایت تلقی خواهد شد؛ برای اثبات این نظر، جدای از رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سلاح‌های هسته‌ای، ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بهترین مدعی است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

۳.۲. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ۱۹۹۸

اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری^{۲۸} دستاورد نهایی بیش از نیم قرن فعالیت ملل متحد در مورد تبیین و تدوین حقوق بشردوستانه بین‌المللی است و همان‌طور که در کارهای مقدماتی آن مذکور است، این اساسنامه جامع حقوق عرفی موجود در زمینه درگیری‌های مسلحانه می‌باشد. از این رو، مقررات مندرج در آن سند متقن عرفی بودن قواعد مورد نظر است. در این راستا باید تأکید کرد که این اساسنامه به صراحت مقررات مندرج در پروتکل الحاقی را کیفری نموده است. به موجب زیر بند (۲) (ب) (۴) ماده ۸ این اساسنامه:

"انجام عمدی حمله‌ای با علم به اینکه چنین حمله‌ای باعث ... آسیب گسترده، درازمدت و شدید به محیط‌زیست خواهد شد و آشکار نسبت به مجموعه فایده نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن، بیش از اندازه است."

چنانچه دیده می‌شود قاعده موجود در اساسنامه تقریباً همان مقرره موجود در مواد ۳۵ و ۵۵ پروتکل اول می‌باشند، با این تفاوت که اساسنامه شرط "فایده نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار" را برای شرایط موجود در ماده ۵۵ پروتکل افزوده است. به نظر

می‌رسد، این خود نوعی برگشت به مقررات قابل انتقاد کد جنایت علیه صلح به امنیت بشری است و قابل انتقاد است. به علاوه، اساسنامه عنصر علم موجود در پروتکل اول را با صراحت و شفافیت بیشتری ذکر نموده است.

۴.۲ کنوانسیون ملل متحد در مورد ممنوعیت استفاده نظامی یا خصمانه از تکنیک‌های تغییر محیط زیست^{۲۹} (ENMOD) مصوب ۱۸ می ۱۹۷۷

دولت ایالت متحده، متعاقب استفاده از تکنیک‌های تغییر محیط زیست از قبیل زمین لرزه، پاکسازی پوشش سبز و غیره، برای غلبه بر چریک‌های ویت‌کنگ در جنگ ویتنام ملل متحد به این نتیجه رسید که تهیه مقرراتی خاص، در خصوص ممنوعیت حمله زیانبار به محیط زیست در درگیری‌های مسلحانه، با وجود مقررات فوق‌الذکر ضروری است. چرا که این اعتقاد احتیاطی وجود داشت، که مقررات موجود حمایت کافی از محیط زیست در برابر چنین خساراتی به عمل نمی‌آورند؛ به ویژه آنکه در آن زمان پروتکل اول به تصویب نرسیده بود.

در این راستا مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورخ ۱۰ دسامبر سال ۱۹۷۶ قطعنامه‌ای^{۳۰} را در این خصوص، به تصویب رساند، که بعدها به عنوان کنوانسیون ENMOD به تصویب دولت‌ها رسید.^{۳۱}

ماده یک این کنوانسیون در مورد ممنوعیت وارد ساختن خسارات قابل توجه به محیط زیست در خلال درگیری‌های مسلحانه چنین مقرر می‌کند:

"کلیه دولت‌های عضو این کنوانسیون متعهد می‌شوند که به استفاده نظامی یا دیگر استفاده‌های خصمانه از تکنیک‌های تغییر محیط زیست که به واسطه تخریب، خسارت زدن یا لطمه زدن به دیگر دولت عضو، دارای آثار گسترده، دیرپا^{۳۲} یا شدید بر محیط زیست می‌باشد، مبادرت ننمایند ..."

نظر به تقارن زمانی تصویب این کنوانسیون با پروتکل اول الحاقی جز در مورد آستانه‌های این دو سند که سند اخیر آستانه پایین تری را نسبت به پروتکل در نظر گرفته است، شباهت‌های عمده‌ای بین این دو سند وجود دارد. کنوانسیون با استفاده از حرف ربط "یا" با وجود هریک از آستانه‌های گسترده، درازمدت^{۳۳} از سوی "شدید" از سوی دیگر ممنوعیت را محقق دانسته، در حالی که

پروتکل اول الحاقی، اجتماع همزمان هر سه آستانه مذکور را ضروری دانسته است. از این رو، باید نتیجه گرفت کنوانسیون ENMOD مقررات سبزتری را پیش‌بینی نموده است. علاوه بر این کمیته بین‌المللی، کمیته صلیب سرخ با وجود یکی و مکمل^{۳۳} نامیدن این دو سند تفاوت‌هایی را به شرح ذیل بین این دو سند بر شمرده است:

"هدف پروتکل حمایت از محیط زیست طبیعی در برابر خساراتی است که ممکن است از طریق توسل به سلاح‌ها بر آن وارد شود در حالی که هدف کنوانسیون جلوگیری از استفاده از تاکتیک‌های تغییر محیط زیست به عنوان سلاح می‌باشد ... پروتکل فقط در درگیری‌های مسلحانه قابل اعمال است. در حالی که ممنوعیت مقرر در کنوانسیون بر توسل به این تکنیک‌ها برای اهداف خصمانه اعمال می‌گردد حتی در مواردی که هیچ اعلامیه جنگی صادر نشده و هیچ سلاح دیگری مورد استفاده قرار نگرفته است."^{۳۴} علاوه بر این، مطابق کارهای مقدماتی، تفسیر آستانه‌های سه گانه کنوانسیون به شرح ذیل است:

الف. واژه "گسترده" شامل منطقه ای مشتمل بر چند صد کیلومتر مربع می‌شود؛

ب. واژه "دیرپا" مشتمل بر دوره چند ماهه یا تقریباً یک فصل می‌شود؛

ج. واژه "شدید" مربوط به جراحت یا لطمه فاحش یا مهم به حیات بشری، منابع طبیعی اقتصادی یا دیگر اموال می‌شود.^{۳۵} با مقایسه این تفاسیر با تفاسیر پروتکل اول که خسارات "دراز مدت را حداقل یک یا چند دهه" در نظر گرفته است، باز هم مشخص می‌شود که کنوانسیون حمایت بیشتری از محیط زیست به عمل آورده است.

کنوانسیون ENMOD نیز مانند پروتکل اول الحاقی صحبتی از مسئولیت کیفری ناشی از نقض مقررات خود نکرده و فقط در ماده ۴، دولت‌های عضو را مکلف به ممنوع اعلام کردن تاکتیک‌های مورد نظر کنوانسیون در قوانین داخلی خودشان نموده است، بی‌آنکه بر ماهیت چنین قوانینی اشاره داشته باشد. با وجود این نقیصه، باید تأکید کرد که استدلال موجود در خصوص چگونگی کیفری شدن نقض‌های پروتکل اول الحاقی (مواد ۳۵ و ۵۵) در مورد این کنوانسیون نیز قابل اعمال است؛ زیرا حکم محکمه

کیفری یوگسلاوی در قضیه تادیج شامل کلیه تعهدات قراردادی قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه می‌باشد و به هیچ وجه محدود به پروتکل‌های الحاقی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیست.

ج - تکلیف به جرم‌انگاری پاره‌ای از نقض‌های محیط‌زیست در کنوانسیون‌های بین‌المللی

این نوشته تاکنون بر آن بود که با کاوش در مقررات حقوق بین‌الملل موجود، اعم از حقوق عرفی و قراردادی، به این سؤال پاسخ دهد که آیا این حقوق، نقض‌های تعهدات زیست‌محیطی را به عنوان یک "جنایت بین‌المللی" در معنای مضیق حقوقی در نظر گرفته است یا خیر. صرف نظر از پاسخ مشروط به دست آمده در بندهای پیشین واقعیت این است که به تدریج و به‌ویژه با تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی، سرکوب پاره‌ای از اعمال ممنوعه در جامعه بین‌المللی تکلیف کلی برای دولت‌ها برای جرم‌انگاری اعمال مذکور به‌وجود آمده است و چنین وضعیتی در مورد پاره‌ای از رفتارهای مضر برای محیط‌زیست نیز صادق است. تکلیف به جرم‌انگاری، اگر چه در نهایت به واکنش کیفری علیه نقض‌های زیست‌محیطی در عرصه بین‌المللی منتهی می‌شود، ولی واقعیت این است که در معنای خاص کلمه، فاقد آثار حقوقی ناشی از "جنایات بین‌المللی" دانستن نقض یک تعهد می‌باشد؛ از این جمله است صلاحیت جهانی و تکلیف به مجازات یا استرداد. از این رو، تفکیک بین این دو از جرائم اجتناب‌ناپذیر است؛ اگر چه "تکلیف به جرم‌انگاری در قوانین داخلی" نیز از مقدمات مؤثر تکوین حقوق بین‌الملل کیفری است. این دسته از جرائم که از آنها می‌توان به عنوان "جنایات شدید دارای اهمیت بین‌المللی"^{۳۶} یاد کرد جرایمی هستند که به طور کلی در حقوق بین‌الملل جنایات شناخته شده‌اند، بی‌آنکه دولت‌ها با قراردادن آنها در چارچوب صلاحیت جهانی موافقت کرده باشند.^{۳۷} دولت‌ها در بیش از شش کنوانسیون بین‌المللی به صراحت، تکلیف جرم‌انگاری را برای نقض مقرراتشان در نظر گرفته و در این راستا عملاً نقض پاره‌ای از تعهدات زیست‌محیطی را "جنایت شدید دارای اهمیت بین‌المللی" دانسته‌اند، که ذیلاً به مقررات مرتبط با این کنوانسیون‌ها پرداخته می‌شود.

۱. کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از ریختن زایدات و دیگر مواد مصوب ۲۹ دسامبر ۱۹۷۲

ماده ۷ این کنوانسیون در مقام احصای تکالیف دولت‌های عضو برای تضمین اجرای مقررات کنوانسیون طی بند ۲، به صراحت به تکلیف دولت افراد برای مجازات ناقضین مقررات کنوانسیون در داخل دولت‌های عضو اشاره نموده است. پر واضح است که پیش شرط ادای چنین تکلیفی، جرم‌انگاری نقض مقررات کنوانسیون حقوق داخلی دولت‌های عضو می‌باشد. به موجب این بند "۳- هر دولت عضو در سرزمین خود اقدامات مقتضی، برای جلوگیری و مجازات رفتارهای مغایر با مقررات این کنوانسیون را اتخاذ خواهد کرد."^{۳۸}

وجود این بند نشان دهنده این واقعیت حقوقی است که دولت‌های تصویب‌کننده این کنوانسیون مقررات این کنوانسیون را دارای درجه‌ای از اهمیت دانسته‌اند که نقض آن را یک "جنایت شدید دارای اهمیت بین‌المللی" در نظر بگیرند از این رو، دولت‌های عضو را مکلف به مجازات ملی ناقضین تعهدات مذکور نموده‌اند. ۲. کنوانسیون پاریس در خصوص جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از منابع مستقر در خشکی مصوب ۴ ژوئن ۱۹۷۴ این کنوانسیون که در مارس سال ۱۹۸۶ با الحاق پروتکلی اصلاح شده است، در بند یک ماده ۱۲ خود دولت‌های عضو را مکلف به تضمین رعایت مقررات خود از طریق اتخاذ اقدام پیشگیرانه و مجازات متخلفین می‌کند:

"۱- کلیه دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که اعمال مقررات این کنوانسیون را تضمین نموده و کلیه تدابیر مقتضی را برای پیشگیری و مجازات رفتارهای مغایر مقررات این کنوانسیون را اتخاذ نمایند.

۲. دولت‌های عضو، کمیسیون را از اقدامات اداری و قضایی اتخاذی که برای اجرای مقررات بند فوق مطلع خواهند کرد."^{۳۹}

۳. کنوانسیون راجع به جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از کشتی‌ها (مارپل) مصوب ۱۹۷۳ ماده ۴ این کنوانسیون با عنوان "تخلقات" چنین مقرر می‌کند:

"۱- هر نقض مقررات اساسی این کنوانسیون بایستی ممنوع و مطابق قوانین دولتی (حکومت کشتی صاحب پرچم) که در آن ارتکاب می‌شود، مجازات گردد. اگر دولتی از چنین نقض‌هایی

مطلع شده و نسبت به وجود اسنادی مکفی برای تعقیب نقض‌های مذکور قانع شود آن باید در اسرع وقت مطابق با قوانین خودش اقدام به تعقیب نماید.

۲. کلیه نقض‌های این کنوانسیون که در صلاحیت دولت عضو ارتکاب می‌شود، باید مطابق با قوانین دولت مذکور ممنوع و مجازات شود. هر جایی که چنین نقضی صورت پذیرد دولت عضو باید:

(الف) مطابق قوانین داخلی خودش اقدام به تعقیب متخلفین نموده؛

(ب) برای حکومت کشور صاحب پرچم اطلاعات و مدارک لازمی را که در اختیار دارد تهیه و ارسال نماید...^{۴۰}

۴. کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های حیوانات و گیاهان وحشی در معرض خطر انقراض و نابودی^{۴۱} مصوب ۱۹۷۳ معروف به CITES

این کنوانسیون که برای تضمین بقای آن دسته از گونه‌های گیاهی و جانوری که در معرض انقراض می‌باشند تصویب شد، دولت‌های عضو خود را مکلف به مجازات کردن نقض‌های مقررات خود کرده است. زیر بند (الف) بند یک ماده ۸ این کنوانسیون در این خصوص چنین مقرر می‌دارد:

"کلیه دولت‌های طرف این کنوانسیون اقدامات لازم برای اجرای مقررات این کنوانسیون و جلوگیری از تجارت گونه‌ها برخلاف مقررات آن معمول خواهند داشت. این اقدامات عبارت خواهند بود از:

(الف) قابل مجازات دانستن تجارت یا مالکیت این گونه‌ها...^{۴۳}

۵. کنوانسیون بازل در خصوص کنترل انتقالات فرامرزی مواد زاید زیان‌بخش و دفع آنها مصوب ۱۹۸۹

با وجود انتقادات وارده^{۴۴} بر کنوانسیون بازل، این کنوانسیون را باید از جمله مهم‌ترین کنوانسیون‌های بین‌المللی حفاظت از محیط‌زیست به شمار آورد. تلاش این کنوانسیون بر آن است که تا حد ممکن از انتقال و دفع فرامرزی ضایعات و مواد زاید زیان‌بخش علیه محیط‌زیست و بشر جلوگیری کرده و یا از آثار ضد‌زیستی و بشری چنین انتقالی بکاهد. در این راستا بند ۵ ماده ۹ کنوانسیون، دولت‌های عضو را مکلف مجازات اعمال مغایر می‌کند:

"هر عضو کنوانسیون باید مقررات ملی مناسبی به منظور جلوگیری از انتقال غیرقانونی زباله یا مجازات این اعمال وضع نماید. اعضای کنوانسیون باید در جهت تحقق اهداف این ماده با یکدیگر همکاری نمایند."^{۴۴}

۶. کنوانسیون باماکو در خصوص کنترل انتقالات فرامرزی و مدیریت مواد زاید زیان‌بخش در آفریقا مصوب ۱۹۹۱. کنوانسیون منطقه‌ای باماکو به مانند و با تأسی از کنوانسیون بازل، دولت‌های عضو را مکلف به وضع قوانین کیفری در رعایت مقررات کنوانسیون نموده است. بند ۲ ماده ۹ این کنوانسیون با عنوان نقل و انتقال غیرقانونی چنین مقرر می‌دارد:

"۲. هر دولت عضو باید قوانین ملی مناسبی را برای اعمال مجازات‌های کیفری علیه کلیه اشخاصی که چنین واردات غیرقانونی را برنامه‌ریزی، ارتکاب یا معاونت می‌کنند، وضع نماید. این مجازات‌ها باید به اندازه کافی شدید باشند تا ارتکاب اعمال مذکور را مجازات و ارباب نمایند."^{۴۵}

تکلیف به جرم‌انگاری موجود در کنوانسیون‌های فوق‌الذکر، ضمن آنکه نقض مقررات کنوانسیون‌ها به عنوان "جرم شدید دارای اهمیت بین‌المللی" معرفی می‌کند، از طرف دیگر نشان‌دهنده این واقعیت است که جامعه بین‌المللی به تدریج به این نتیجه رسیده است که ضمانت اجراهای مدنی و اداری برای حمایت از بخش‌های حساس محیط‌زیست که حاوی نظام قراردادی می‌باشند، کفایت نمی‌کند و به وضع مکانیسم‌های کیفری نیاز است. این واقعیت بین‌المللی به تدریج با رخنه در نظام‌های قانون‌گذاری داخلی دولت‌ها منتهی به تصویب بیش از ۱۰ کد کیفری حمایت از محیط‌زیست شده است. در میان این کشورها اتریش، فنلاند، ژاپن و مکزیک مستقلاً اقدام به تصویب کد کیفری نموده و کشورهای آمریکا، کانادا، سوئد، پاراگوئه، آلمان و رژیم اسرائیل نیز با اضافه کردن مجازات‌های کیفری بر قوانین زیست‌محیطی‌شان ضمانت اجرای کیفری را برای نقض‌های زیست‌محیطی پیش‌بینی کرده‌اند.^{۴۶} در مورد قوانین و مقررات زیست‌محیطی کشور ایران باید تأکید کرد که پاره‌ای از قوانین ایران از مدت‌ها قبل پاره‌ای از صدمات به محیط‌زیست را از جمله آلوده کردن آب‌ها، قطع درختان و شکار پاره‌ای از حیوانات وحشی را جرم قلمداد کرده‌اند، اما نظر به قدیمی بودن قوانین مذکور

کارایی مجازات‌های وضع شده آنها انتقادپذیر می‌باشد.^{۴۷} در رویه‌های قضایی نیز می‌توان به آرای متعدد کیفری در این خصوص اشاره نمود.^{۴۸}

با عنایت به این مقررات این سؤال مطرح می‌گردد که آیا وجود قوانین مذکور، نمی‌تواند مؤید وجود یک اصل کلی حقوق مبنی بر کیفری کردن نقض‌های حقوق محیط‌زیست باشد؟ پاسخ به این سؤال دشوار است ولی می‌توان با تفکیک بین "اصول کلی حقوق"^{۴۹} و "اصول کلی حقوق بین‌الملل"^{۵۰} چنین اظهار کرد که حتی در صورت اثبات وجود اصل کلی حقوق، مبنی بر کیفری کردن نقض‌های محیط‌زیست نمی‌توان چنین اصلی را معادل یک نرم کیفری بین‌المللی در نظر گرفت و مدعی وجود نظام حقوق کیفری محیط‌زیست در حقوق بین‌الملل شد؛^{۵۱} زیرا مطابق دیدگاه‌های گریزناپذیر پوزیتیویستی حاکم بر حقوق بین‌الملل تنها قواعدی را می‌توان جزو قواعد حقوق بین‌الملل شناخت که به تأیید و تصویب صریح (قراردادی) یا ضمنی (عرفی) دولت‌ها یا سازمان‌های مورد تأسیس آنها رسیده باشند.

به هر حال تکلیف به جرم‌انگاری نقض‌های کنوانسیون‌هایی که در بالا به آنها پرداخته شد، در کنار دیگر فعالیت‌های بین‌المللی صورت پذیرفته است؛ نظیر فعالیت‌های ۱۵ ساله Ecosoc و کنفرانس‌های ملل متحد در خصوص حمایت کیفری از محیط‌زیست ظن به شکل‌گیری اصول کلی حقوق بین‌الملل را در این خصوص تقویت می‌کند. با این حال در این صورت نیز وجود اصل کلی مذکور نیز نمی‌تواند در حکم کیفری کردن صدمات زیست‌محیطی در نظر گرفته شود چرا که قصور در رعایت چنین اصلی صرفاً می‌تواند منتهی به مسئولیت بین‌المللی گردد و نه مسئولیت کیفری بین‌المللی.^{۵۲}

به نظر مفید می‌رسد که در پایان، به کنوانسیون اتحادیه اروپا، در خصوص "حمایت از محیط‌زیست از طریق کیفری"^{۵۳} اشاره کرد. تصویب کنوانسیون استراسبورگ در سال ۱۹۹۸ از جهات مختلف دارای اهمیت است. آن از طرفی نشان‌دهنده شکل‌گیری اراده بخشی جامعه بین‌المللی در حمایت کیفری از محیط‌زیست و از طرف دیگر بیانگر الگوی اولیه برای اسناد جهانی آتی می‌باشد. مقدمه کنوانسیون مذکور با یادآوری اسناد بین‌المللی که سابقاً از طریق توسل به حقوق جزا سعی در حمایت از محیط‌زیست

داشته‌اند، بر سه نکته کلیدی تأکید می‌کند:

۱. اعتقاد بر لزوم حمایت کیفری از محیط‌زیست
۲. لزوم جرم‌انگاری نقض‌های دارای آثار شدید بر محیط‌زیست و مجازات مجرمین

۳. لزوم و اهمیت مجازات کیفری و اداری اشخاص حقوقی. این کنوانسیون با تقسیم بندی جنایات زیست‌محیطی به جنایات‌های عمدی (ماده ۲) و جنایات ناشی از بی‌مبالائی (ماده ۳) در ماده ۲، اعمال ذیل را در صورتی که با قصد و عمد ارتکاب شوند، جنایت دانسته است:

"هر دولت عضو آن دسته از اقدامات مقتضی را که برای جرم‌انگاری موارد ذیل در حقوق داخلی آن ضروری است، اتخاذ خواهد کرد:

الف. تخلیه، دفع یا تولید مقادیری از مواد یا انتشار پرتوهای یونی در هوا خاک یا آب که (i) منجر به مرگ یا صدمات شدید بر اشخاص می‌شود، یا (ii) خطر مهمی که منجر به مرگ یا صدمات شدید بر اشخاص می‌شود، به‌وجود آورد.

ب. تخلیه، دفع یا تولید مقادیری از مواد یا انتشار غیرقانونی پرتوهای یونی در هوا یا خاک یا آب که در بدترین حالت منجر به مرگ یا صدمات شدید بر اشخاص شده یا دارای چنین امکانی است. همین‌طور اگر منتهی به بروز خسارات عمده بر مناطق تحت حمایت، دیگر موارد حمایت شده، اموال، حیوانات یا گیاهان شود.

ج. تخلیه، عمل‌آوری، انبار، حمل و نقل صادر یا وارد کردن غیرقانونی ضایعات خطرناکی که منجر به مرگ یا صدمات شدید بر اشخاص یا خسارات عمده بر کیفیت هوا، خاک، آب، حیوانات یا گیاهان می‌شود یا دارای چنین امکانی است.

د. اداره غیرقانونی کارخانجاتی که در آنها یک فعالیت خطرناک انجام شده و منجر به مرگ یا صدمات شدید بر اشخاص یا خسارت عمده بر کیفیت هوا، خاک، آب، حیوانات یا گیاهان می‌شود یا دارای چنین امکانی است.

ه. تولید، عمل‌آوری، انبار، استفاده، حمل و نقل، صادر یا وارد کردن غیرقانونی مواد هسته‌ای یا دیگر مواد رادیواکتیوی که منجر به مرگ یا صدمات شدید بر اشخاص یا خسارات عمده بر کیفیت هوا، خاک، آب، حیوانات یا گیاهان می‌شود یا دارای چنین امکانی

است. کلیه موارد فوق هنگامی مجرمانه خواهد بود که به طور عمدی ارتکاب شود.

ماده ۳ کنوانسیون، دولت‌های عضو را مکلف نموده است که کلیه اعمال مندرج در ماده ۲ را حتی اگر از روی بی‌مبالاتی مرتکب شوند، نیز جرم تلقی نمایند. البته بندهای ۲ و ۳ این ماده به دولت‌ها این امکان را داده که چنین جرم‌انگاری را به طور کلی یا جزئی محدود به موادی کنند که جرم ارتکابی ناشی از "بی‌مبالاتی شدید"^{۵۴} باشد، بند سوم نیز امکان رزرو کامل را نسبت به عدم اعمال زیر بند (ii) (الف) بند اول ماده ۲ و زیربند (ب) همان ماده در خصوص "مناطق تحت حمایت، دیگر موارد حمایت شده و اموال" را پیش‌بینی نموده است که متأسفانه از حوزه اعمال کنوانسیون می‌کاهد.

ماده ۴ کنوانسیون نیز در نهایت به منظور پوشش کلیه موادی که در مواد ۲ و ۳ نمی‌گنجند. اعم از اینکه به طور عمدی یا از روی بی‌مبالاتی ارتکاب شوند، به شرح ذیل احصا می‌کند: "الف. تخلیه، دفع، تولید غیرقانونی مقادیری از مواد یا انتشار پرتوهای یونی در هوا، خاک یا آب

ب. تولید غیرقانونی سر و صدا (آلودگی صوتی)

ج. تخلیه، عمل‌آوری، انبار، حمل و نقل، صادر و وارد کردن غیرقانونی ضایعات

د. اداره غیرقانونی یک کارخانه

ه. تولید، عمل‌آوری، کاربرد، حمل و نقل، وارد و صادر کردن غیرقانونی مواد هسته‌ای یا دیگر مواد رادیواکتیو یا شیمیایی خطرناک و ایجاد تغییرات غیرقانونی در عناصر یک پارک ملی، مناطق طبیعی حمایت شده، مناطق تحت حمایت آبی و یا دیگر مناطق حمایت شده

ز. تملک، گرفتن، تخریب، کشتار یا تجارت غیرقانونی گونه‌های گیاهی و جانوری وحشی تحت حمایت"

تفاوت مقررات ماده ۴ با مواد سابق صرفنظر از موارد شمول (از جمله حمایت گونه‌های گیاهی و جانوری تحت حمایت بین‌المللی) در این واقعیت نهفته است که ماده ۴ دست دولت‌های عضو را برای شناسایی موارد تحت شمول ماده به عنوان جرایم کیفری یا اداری و به تبع وضع مجازات‌های کیفری یا اداری باز گذاشته است.

کنوانسیون ترتیبیاتی را به منظور واکنش منطقه‌ای به نقض‌های مقررات خود که مستلزم برقراری رژیم کیفری ملی و بین‌المللی پیش‌بینی نموده است: پیش‌بینی صلاحیت جهانی با تأکید بر قاعده یا مجازات کن یا مسترد^{۵۵} برای تعقیب و محاکمه قاره‌ای متهمین به ارتکاب جنایات زیست‌محیطی، پیش‌بینی مجازات زندان و بازگرداندن وضع محیط‌زیست به حالت پیش از تخریب^{۵۶}، شناسایی مسئولیت حقوقی و کیفری برای اشخاص حقوقی^{۵۷}، شناسایی مسئولیت مرکب^{۵۸} اشخاص حقیقی و حقوقی برای ارتکاب جنایات مورد شمول کنوانسیون^{۵۹}، شناسایی گروه‌های زیست‌محیطی از جمله سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی به عنوان ذینفع برای طرح دعوی زیست‌محیطی^{۶۰} و تعیین مکانیسم همکاری ملی^{۶۱} و فراملی^{۶۲} برای رعایت مقررات کنوانسیون از جمله ترتیبات مذکور است، که در نوع خود بی‌بدیل بوده و بی‌تردید نقش عمده‌ای را در تکوین حقوق بین‌الملل کیفری در زمینه حمایت از محیط‌زیست ایفا خواهد کرد.

نتیجه

صیانت کیفری از حقوق محیط‌زیست با دو استدلال قابل توجیه است: استدلال اول مربوط به ماهیت عام الشمول قواعد زیست‌محیطی بوده و استدلال دوم از عدم کفایت قواعد حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای تضمین رعایت قواعد زیست‌محیطی ریشه می‌گیرد. به هر حال هیچ‌یک از این دو دسته استدلال، نباید به معنی آمادگی حقوق بین‌الملل برای سرکوب کیفری نقض‌های زیست‌محیطی در نظر گرفته شوند؛ چرا که این حقوق از یک سو، با ناتوانی در شناسایی مسئولیت کیفری دولت در حقوق بین‌الملل از پذیرش مفهوم جنایت زیست‌محیطی دولت‌ها طفره رفته و به جای آن به قواعد سنتی مسئولیت (مدنی) بین‌المللی متوسل شده است و از سوی دیگر در زمینه مسئولیت کیفری فردی نیز به شناسایی مسئولیت کیفری فردی برای ارتکاب جنایات زیست‌محیطی دوران مخاصمات مسلحانه محدود شده است. گویی که حملات و تعرضات شدید به محیط‌زیست و به سکنه غیرنظامی، به این نکته منجر شده است که حقوق بشردوستانه حملات دارای آثار گسترده، شدید و دیرپا بر محیط‌زیست را به عنوان یکی از جنایات جنگی، قابل تعقیب و

- of the Tribunal (1955). *Y.I.L.C*, Vol. II, Principles VI.
17. Goodwin-Gill, Guy S. (1999). "Crime in International Law, Obligations Erga Omnes and Duty to Prosecute", *The Reality of International Law*. Oxford, Clarendon Press, pp. 206-207.
 18. Draft Code of Crimes against Peace and Security of Mankind.
 19. Draft Code of Offences against Peace and Security of Mankind 1994.
 20. I.L.C. Commentary to Art. 20 of Draft Code on Crime against Peace and Security of Mankind, Downloaded from: <http://www.un.org/law/ilc/reports/1996/chapo2.htm>
 21. International Committee of Red Cross (I.C.R.C.), Guidelines for Military Manuals and Instructions on the Protection of the Environment in times of Armed Conflict, Document A/49/323, Annex.
 22. Widespread, Long-Term and Severe Damage.
 23. I.C.R.C. Commentary to Art.35 Protocol Additional to the Geneva Conventions (Protocol I), Para.1441, Downloaded from: <http://www.icrc.org>
 24. *Ibid*, Para.1444.
 25. I.C.R.C Commentary to Art. 35 (Protocol I), Paras. 1454, 1461
 26. Legality of Threat or Use of Nuclear Weapons, I.C.J Reports 1996, Para.31, 33.
 27. Prosecutor V. Dusko Tadic/a/k/a "Dule", Decision on the Defense Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction, Downloaded from: <http://www.un.org/icty/appeal/decision-e/51002-htm,para.88>.
 28. International Criminal Court (ICC)
 29. Convention on the Prohibition of Military or any other Hostile Use of Environmental Modification Techniques: (ENMOD)
 30. General Assembly Resolution 31/72, 10 Dec.1976.
 31. International Legal Material (I.L.M) vol. XVI, No.1 January 1977, pp.88-94.
 32. Long-Lasting.
 33. I.C.R.C. Commentary to Art. 35, *op cit*, para.1452.
 34. *Ibid*, Para. 1450
 35. A/31/27, p.91, Reprinted in *Ibid*, Para. 1453, Footnote No.117.
 36. Serious Crimes of International Concern.

واقعیت این است که اساسنامه دیوان بین المللی کیفری مصوب سال ۱۹۹۸ این تفکیک را از نقطه نظر تئوری نپذیرفته است چرا که مقدمه

کیفر تلقی کند. چنانچه ملاحظه شد، به نظر می رسد که در این زمینه پیش بینی آستانه های بسیار بالا از مختصر توسعه حقوقی به دست آمده نیز کاسته باشد. بنابراین، باید به این نتیجه رسید که در حال حاضر در حقوق بین الملل جنایت بر ضد محیط زیست به عنوان یک "جنایت بین المللی" که در زمانی غیرمخاصات مسلحانه قابل تعقیب باشد، شناسایی نشده است. با این حال تکرار تکلیف به پیش بینی ضمانت اجرای کیفری در کنوانسیون های بین المللی و منطقه ای مربوط به حفاظت از محیط زیست در کنار تصویب کدهای جزایی داخلی مربوط به محیط زیست به تدریج نشان دهنده این واقعیت است، که اولاً قواعد عام الشمول زیست محیطی حاوی تعهداتی هستند که رعایت آنها برای صیانت از منافع بنیادین جامعه بین المللی ضروری است و ثانیاً این جامعه به تدریج نقض شدید این قواعد را به عنوان "جنایات شدید دارای اهمیت بین المللی" شناسایی نموده است، که مقدمه اجماع بین المللی برای جرم انگاری کامل نقض های شدید زیست محیطی می باشد.

پی نوشت ها

1. A/CN.4/490/Add.3, p.10, para.100.
2. Yearbook of International Law commission (hereinafter:YILC), 1979, p.120, para.66.
3. Essential Importance.
4. Crawford, First Report to ILC, (A/CN. 4/490/Add.3) p. 9, para. 98.
5. *Y.I.L.C.* 1976, *op cit*, p. 120, para. 66.
6. *Ibid*, p. 110, para. 34.
7. Widespread Scale
8. Large-scale
9. *Y.I.L.C.* 1976. *op cit*, p.121, para.70.
10. Systematic Practice
11. Ashworth, Andrew (1999). *Principles of Criminal Law*. 3rd Edition, Oxford University Press, pp. 116-117.
۱۲. گاسکونی استفانی، ژرژ لواسور و برنار بولوک (۱۳۷۷). *حقوق جزای عمومی*، جلد اول: جرم و مجرم، ترجمه حسن دادبان. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، ص ۴۰۴.
13. Gilbert, *op cit*, pp.348-350
۱۴. دادبان. پیشین، ص ۴۰۴.
15. Crawford, *op cit*, p.8, para.91
16. Principles of International Law Recognized in the Charter of the Nürnberg Tribunal and the Judgmen

- 1997.
۴۷. قوام، میرعظیم (۱۳۷۵). حمایت کیفری از محیط زیست، تهران: سازمان حفاظت از محیط زیست. ص ۱۲۴-۱۰۳.
۴۸. همان، ص ۱۶۰-۱۳۰.
49. Mosler, Hermann, "General Principles of Law", *E.P.I.L.*, vol.7, 1982, pp.89-105.
50. *Ibid*, pp. 93-97.
51. Provost, *op cit*, pp.450-451.
52. *Ibid*, pp.451-453.
53. Convention on the Protection of the Environment Through Criminal Law, *Council of Europe, European Treaty series* - No.175, Strasbourg 4, Nov. 1988
54. Gross Negligence
۵۵. بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون.
۵۶. ماده ۶.
۵۷. بند ۱ ماده ۹.
58. Cumulative Responsibility
۵۹. بند ۲ ماده ۹.
۶۰. ماده ۱۱.
۶۱. ماده ۱۰.
۶۲. ماده ۱۲.

منابع

- قوام، میرعظیم (۱۳۷۵). *حمایت کیفری از محیط زیست*، تهران: سازمان حفاظت از محیط زیست.
- گاسکونی استفانی، ژرژ لواسور و برنار بولوک (۱۳۷۷). *حقوق جزای عمومی*، جلد اول: جرم و مجرم، ترجمه حسن دادبان، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست ایران* (۱۳۷۹). جلد دوم (معاهدات بین المللی)، تهران: دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت از محیط زیست.
- A/CN.4/490/Add.3
- Ashworth, Andrew (1982). *Principles of Criminal Law*. 3rd Edition, Oxford: Oxford University Press.
- Basel Convention on the Control of Transboundary Movements of Hazardous wastes and their Disposal. 22 March 1989, Downloaded from: <http://www.jus.uio.no/lm/hazardous.waste.ban.african.import.bamko.convention.1991/9.html>
- Convention on the Prohibition of Military or any other Hostile Use of Environmental Modification Techniques: (ENMOD)
- Convention for The Prevention of Marine Pollution by

- و مواد یک و پنج آن به تناوب از "جنایات شدید دارای اهمیت بین المللی" و داخل در صلاحیت دیوان سخن به میان آورده اند. درحالی که کارهای مقدماتی این سند در کمیسیون حقوق بین الملل گویای این واقعیت است که مخبر ویژه کمیسیون جنایت شدید دارای اهمیت بین المللی را با جرایم ناشی از "کنوانسیون های سرکوب" مترادف استعمال کرده است. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:
- Crawford, J. (1995). "The I.L.C. Adopts a Statute for an International Law (A.J.I.L.) Vol .89, pp.404 -416.
37. Goodwin- Gill, *op cit*, pp. 205-206
38. Convention for The Prevention of Marine Pollution by Dumping of Wastes and other Matter, 29 Dec.1972, (pp. 174 -189). Reprinted in: Bernie, W. Patricia and Boyle, Alan (1995). *Basic Documents on International Law and the Environment*. Oxford.
39. Convention for The Prevention of Marin Pollution from Land -Based Sources, 4 June 1974, downloaded from: <http://sedac.ciesin.org/pidb/texts/marin.pollution.land.sources.1974.hmt>.
40. Convention for the Prevention of Pollution from Ships, Marpol Convention 1973, Boyle *et al, op cit*, pp.189-204.
41. Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora, 1973 (CITES) *op cit*, pp.415-413.
۴۲. دولت ایران در ۱۵ تیر ماه ۱۳۵۵ به عضویت این کنوانسیون درآمد است. برای دیدن متن فارسی کنوانسیون نگاه کنید به: کتاب مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست ایران (۱۳۷۹)، جلد دوم (معاهدات بین المللی)، دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت از محیط زیست. ص ۱۵۷-۱۰۵.
۴۳. مهم ترین انتقاد وارده بر این کنوانسیون - که منتهی به تشکیل یکی از مهم ترین سازمان های بین المللی غیردولتی یعنی بازل بان (Basel Ban) شده است. از این رو، کنوانسیون به جای ممنوعیت کامل دفع و انتقال مواد زاید به محدودیت و کنترل آن بسنده نموده است.
44. Basel Convention on the Control of Transboundary Movements of Hazardous wastes and their Disposal, 22 March 1989, Boyle *et al, op cit* , pp. 322-345. دولت ایران در ۱۵ تیرماه ۱۳۵۵ به عضویت کنوانسیون درآمد است.
45. Bamako Convention on the Ban of the Import Into Africa and the Control of Transboundary Movement and Management of Hazardous wastes within Africa 1991, Downloaded from: <http://www.jus.uio.no/lm/hazardous.waste.ban.african.import.bamko.convention.1991/9.html>
46. " The role of Criminal Law in the Protection of the Environment ", U.N. Doc.E/CN.15/1997/10,17Feb.

Principles of International Law Recognized in the Charter of the Nürnberg Tribunal and the Judgment of the Tribunal , *Y.I.L.C* 1950, Vol.II, Principles VI.

Prosecutor V. Dusko Tadic/a/k/a "Dule", Decision on the Defense Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction, Downloaded from:
<http://www.un.org/icty/appeal/decision-e/51002-htm>

"The role of Criminal Law in the Protection of the Environment", U.N. Doc.E/CN.15/1997/10, 17Feb. 1997.

Yearbook of International Law Commission (*YILC*), 1979.

Dumping of Wastes and other Matter, 29 Dec. 1972, Reprinted in: Bernie, W. Patricia and Boyle, Alan, (1995). *Basic Documents on International Law and the Environment*. Oxford.

Convention for The Prevention of Marin Pollution from Land -Based Sources, 4 June 1974, downloaded from:
<http://sedac.ciesin.org/pidb/texts/marin.pollution.la.nd.sources.1974.hmt>.

Convention for the Prevention of Pollution from Ships, Marpol Convention 1973.

Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora, 1973 (CITES).

Convention on the Protection of the Environment Through Criminal Law, *Council of Europe , European Treaty series* - No.175, Strasbourg 4 Nov. 1988.

Crawford, First Report to International Law Commission(ILC), , (A/CN. 4/490/Add.3)

Crawford, J. (1995). "The I.L.C. Adopts a Statute for an International Law". *American Journal of International Law, (A.J.I.L.)* Vol. 89.

Draft Code of Offences against Peace and Security of Mankind 1994.

General Assembly Resolution 31/72, 10 Dec. 1976.

Goodwin-Gill, S. Guy (1999). "Crime in International Law, Obligations Erga Omnes and Duty to Prosecute", *The Reality of International Law*. Oxford: Clarendon Press.

I.L.C. Commentary to Art. 20 of Draft Code of Crime against Peace and Security of Mankind, Downloaded from:

<http://www.un.org/law/ilc/reports/1996/chapo2.htm>

I.C.R.C. Commentary Protocol Additional to the Geneva Conventions (Protocol I), Downloaded from:

<http://www.icrc.org>.

International Committee of Red Cross (I.C.R.C.), Guidelines for Military Manuals and Instructions on the Protection of the Environment in Times of Armed Conflict , Document A/49/323.

International Legal Material (I.L.M) vol. XVI, No.1, January 1977.

Legality of Threat or Use of Nuclear Weapons, *International Court of Justice (I.C.J)* Reports 1996.

Mosler, Hermann (1982). "General Principles of Law", *E.P.I.L.*, vol. 7.